

درستایش زندگی، نفی اعدام و حس انتقامجویی فراخوان

ضرورت طرح مسئله

کاوه امید

بیست سال است که در افغانستان مرگ ستوده میشود، اعدام و کشتار به اصول و نرم حاکم بر جامعه تبدیل گشته و از امنیت و احترام به حق زندگی انسان خبری نیست. در جریان دو دهه است که از رهبرتا عسکر و از ملا تا طالب همه در راه نابودی تمامی نمود های زندگی انسانی سوگند خورده اند. بسیاری درستایش مرگ قلم میزنند، شعرمیسرائیند و زندگی را بهانه ساخته اند برای احترام به آستانه مرگ. بیست سال است که مرتجعین مرگپرستی را به آیین قهار جامعه تبدیل کرده اند که باید انسانها بمیرند تا حاکمان مرتجع و مرگ پرست بر مسند حاکمیت و اقتدار بنشینند، باید خدای قهار خون بیاشامد تا ماشین جنگ، انتقام گیری و اعدام فعال بماند. شعار "شهادت دعوتیست در همه عصر ها و بر همه نسلها، اگر میتوانی بمیران و اگر نمیتوانی بمیر!" (علی شریعتی کتاب، شهادت)، بیان روشن از وضعیت غم انگیز دعوت ارتجاع از هزاران زن و مرد و کودک به مردن و انتقام گیری در افغانستان است. سرودن فراتر از شهادت امید ها را در تاریکی فرو برده است و قربانیان این محشر انسانیت است که به کام نیستی سپرده شده است.

جامعه افغانستان به قبرستان تبدیل شده است. مردمش هویت زنده بودن را از دست داده اند. آنجا مرگ قداست الهی یافته و کشتن روزمره تفریح شهروندان آنست که با هیاهو و صداهای منجر کننده طالبان: این جلادان و میراث خواران عصر بربریت و وحشت از خواب بیدار میشوند که امروز کسی را بدار میکشند. این فلسفه و مذهب بیست که بر اندام جامعه علیل بیمار طالب و اسلام زده افغانستان حکم میراند. همه ابزارها و امکانات موجود،

در خدمت اعدام، مرگ و کشتار دسته جمعی به کار می‌رود. در این جا کسی نیست که با فریادهای بلند به ستایش زندگی بپردازد. در این جا قلبهای رنجبران و کودکان، کارگران و رنجبران و انسان های محروم اند که زندگی را دوست دارند و در دل‌هایشان آنرا می‌ستایند و آرزوی بازگشتش را دارند.

در اینجا زمزمه های زنان رامیشنویم و ناله های اعدایان که در محضر چشمان جامعه با شمشیرهای زنگزده اسلامیت ها اعدام می‌گردند، که جرمانه دوست داشتن زندگی است. در این کشور صدای که از آن بوی زندگی به مشام مرگپرستان برسد خفه می‌شود. گویا که جهانیان نیز مرگ را برای این مردم آرزو می‌کنند چون از اعتراضات جهانی علیه این خشونت و بربریت خبری نیست، خیابانهای جهان از تظاهرات سرتاسری علیه این توحش رسمی خالی اند. این واقعیت امر مبارزه علیه اعدام و هس انتقام جوئی را در دستور کار جدی قرار می‌دهد. و وظیفه ما باید از حق زندگی انسان دفاع کنیم و برای نابودی این سنت وحشتناک قرون گذشته مبارزه نمایم.

ما کمونیستهای که به دور نشریه عصر جدید گرد آمده ایم، امر مان و مشغله مان، مبارزه علیه نابرابری و ستم است از این رو است که به زندگی عشق می‌ورزیم و آنرا برای همه می‌خواهیم. کارکنان ماعلیه نابودی فزیکتی انسانها در همه اشکال آن هستیم و از این زاویه به مسئله اعدام و کشتار انسان حساسیت داریم. ما از مرگ و نابودی انسان متنفریم و برای امنیت و احترام به زندگی تلاش می‌کنیم. ما زندگی را می‌ستاییم و آنرا برای همه می‌خواهیم. بنابراین باید به مبارزه علیه مرده پرستی، اعدام و حس انتقام جوئی بپردازیم.

همچنانکه در آغاز تذکر یافت، جامعه افغانستان در طی سالهای به مرز قهقرا و عمیقاً ضد انسانی سقوط کرده است. آیا مای مدعی مدل انسانی تری از جامعه رابه بعنوان الترتیف برای بشریت عرضه می‌داریم در این باره چه می‌گوییم؟

آیا مارکسیسم که مابه آن متعلقیم و نقد آنرا به نظام سرمایه داری نقد علمی میدانیم آیا راه

رسیدن به جامعه سوسیالیستی اعدام و نابودی فزیکي مخالفين و دشمنان جامعه سوسیالیستی است؟

آيا هدف ميتواند وسيله راتوجيه کند و برای ايجاد جامعه انسانی ضدانسانی ترين متد هارا بکاربرد تاخوشبختي به جامعه تعميم گردد؟ آيا سوسیالیسم نبرد برای رهائی انسان است و ياداران همچنان جوخه های اعدام برياست؟ آيا سوسیالیستها منادی لغو اعدام اند و ياجلادان تيغ و بدستند که سنت بربريت قرون گذشته راتداوم بخشیده و به قول انگلس که درباره مجازات اعدام ميگويد: (مجازات ... نوع متمدن واران انتقام خونی است) و خود را وارث اين سنت وحشيانه به حساب می آورند؟

ما به اين باوريم که طرح اين بحث در وضعیت کنونی افغانستان دامن زدن به ضروري بودن پرداختن به مبحث مجازات اعدام وحس انتقام جوئی درميان جنبش جنبش چپ افغانستان است. هدف کلی ما اينست که اين بحث از زاويه های گوناگون پرداخته شود. از يکطرف مسئله اعدام پديده ایست که جامعه افغانستان مستقيماً با آن درگیر است و جان هزاران انسان به ناحق از آنها گرفته ميشود و از جانب ديگر طرح اين بحث زمينه پلیمیک رابا موافقان و مخالفان اعدام درميان نيروهای چپ افغانستان بوجود خواهد آورد.

از اين روانتظار من از رفقا، علاقمندان و ياهرصاحب نظر ديگر در مورد مسائل مطرح شده در اين فراخوان اينست که بانوشتن مقالات و نظريات خود اين مبحث را به عنوان بحث داغ در جامعه افغانستان تبديل نمايم.